

بررسی ابعاد سیاسی و اقتصادی سفرهای ولیعهد عربستان به پاکستان و هند

در گزارش «وطن امروز»

تطهیر یا تطمیع!

رامین پرچمدار: روابط دوجانبه در دنیای امروز تا حدود زیادی دستخوش تغییر شده و حتی در بسیاری مواقع به «بلاغ دیپلماتیک» یا «تحکم سیاسی» تبدیل شده است. شاید برای بسیاری از مدعیان پیکرشناسی ارتباطات در نظام بین‌الملل و حتی برای طیف عمده‌ای از تحلیلگران، ناظران و حتی دیپلمات‌های کشورمان این موضوع که امروز شاهد تحولات عجیب و غریبی در روابط دوجانبه میان ملل متحد هستیم، قابل قبول نباشد و بگویند روابط دوجانبه فعلی همان روابط دوجانبه‌ای است که طی سال‌های مختلف میان تمام دولت‌ها وجود داشته است اما برخی حامل‌های سیاسی، کدهای رسانه‌ای و حتی تصاویری که از یک دیدار منتشر می‌شود، دقیقاً خلاف این موضوع را اثبات می‌کند و آنجاست که نه تنها خبرنگاران بلکه تا راس هرم قدرت در یک کشور به این نتیجه می‌رسند که مدل نگاهشان (حتی به یک عکس ۲ نفره) از بیخ اشتباه است!

نمونه‌های زیادی برای اثبات این ادعا وجود دارد که یکی از آنها پرونده عادی‌سازی روابط آمریکا با کره شمالی یا مساله اشمی استراتژیک ایالات متحده و کوبا می‌تواند باشد. زمانی که «کیم جونگ اون» نخستین ملاقات خود را با «دونالد ترامپ» انجام می‌داد، دهان تمام اصحاب رسانه و حتی سیاستمداران داخل و خارج ایران به نشانه حیرت باز مانده بود و برخی‌ها هم که خود را به کوچک پس کوچک‌های مختلف می‌زدند با تحلیل‌های بی‌پایه و اساس مشغول فرافکنی درباره یک واقعه نادر بین‌المللی بودند و در آخر اصرار داشتند بگویند تحلیلگر یا کارشناس فلان حوزه هستند! چرا که پرونده صلح واشنگتن و پیونگ‌یانگ یک دستورالعمل کاملاً مشخص در قالب «پروژه میل به شرق» بود که در سند امنیت ملی ۲۰۱۵ آمریکا به صورت رسمی به آن اشاره شده بود و حتی در سال‌های قبل و بعد از آن به صورت دقیق در دستور کار وزارت خارجه آمریکا و کاخ سفید قرار گرفت. درباره کوبا هم همین موضوع صدق می‌کند اما بخشی از آن به حصار کشی سیاسی ونزوئلا برمی‌گردد.

اما آنچه در ادامه باید مورد نظر قرار گیرد و بدون تردید نه تنها برای تحلیل وقایع فعلی جغرافیای جنوب آسیا، بلکه برای وقایع پیش‌روی ایران هم مهم خواهد بود؛ سفر اخیر «محمد بن سلمان» به پاکستان و هند است. ممکن است بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده باشند که سفرهای ولیعهد عربستان به اسلام‌آباد و دهلی همانند بسیاری از رفت و آمدهای او صرفاً جنبه دیپلماتیک دارد و در نهایت عقد چند قرارداد را دستاورد سفرهای وی اعلام کنند اما نکاتی در این میان وجود دارد که بخش اعظمی از آن به صورت مستقیم و



عربستان در داخل این کشور است. باید پذیرفت کمر محمد بن سلمان در پرونده قتل جمال خاشقچی زیر بار انتقاد جامعه بین‌الملل و قلم‌های روزنامه‌نگاران خرد شد و حتی در مقطعی او را خانه‌نشین کرد اما این آمریکا بود که به کمک وی آمد و موجب شد چهره مخدوش او حداقل در داخل واشنگتن تا حدی تطهیر شود یا به فراموشی نسبی سپرده شود. از این منظر بسیاری از مخالفان ولیعهد سعودی و حتی برخی مهره‌های قدیمی و کهنه‌کار سیاسی و امنیتی این کشور همچنان به دنبال حذف او از ارکانه قدرت هستند و به این جهت ولیعهد سعودی به دنبال مانور قدرت برای مقابله با این طیف از مخالفان خود است. یعنی محمد بن سلمان سعی کرد با سفر به اسلام‌آباد و انتشار تصاویری از اسکورت هوایی حامل خود توسط ۶ فروند جنگنده اف۱۷ پاکستان، اولاً به ایران بگوید که در همسایگی کشورمان در حال رفت و آمدهای مشکوک است و ثانیاً به مخالفان خود بگوید همچنان به عنوان نفر دوم عربستان با قدرت تمام به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

■ محور اقتصادی

مشکلات مالی و بدهی‌های سر به فلک کشیده پاکستان یکی از دلایلی است که باعث شد استقبال کم‌نظیر «عمران خان» به عنوان هدایت‌کننده قوه مجریه این کشور از بن سلمان را شاهد باشیم. ارقام بسیار مختلفی از این بدهی‌ها در فضای رسانه و مطبوعات منتشر شده که نشان می‌دهد «تحریک انصاف» و در راس آن عمران خان برای اداره کشور همانند نخست‌وزیرهای قبلی نیازمند کمک‌های کلان و چند میلیارد دلاری است. در این رابطه باید توجه کنیم ترامپ با ورود به کاخ سفید عملاً مقابل پاکستان قرار گرفت و حتی در برخی اظهاراتش نظاره‌گر آن بودیم که وی اسلام‌آباد را پناهگاه و دانشگاه تروریست‌ها خطاب کرده است. این موضوع ریشه در پرونده صلح افغانستان و بویژه هدایت «طالبان» توسط پاکستان دارد؛ ترامپ به دنبال آن بود تا بر اساس راهبرد جدید جنوب آسیای خود بتواند پاکستان را در ریل سیاست‌هایش قرار دهد و آن را تا حدی که می‌تواند هدایت کند اما تنها چیزی که از این فرآیند بیرون آمد، تنش میان دو طرف بود. آمریکا هر ساله ارقام مختلفی را به بهانه مبارزه با تروریسم در اختیار پاکستان قرار می‌داد و به نوعی به دنبال ارائه مشوق‌های مالی برای خرش اسلام‌آباد به سمت خود بود تا در نهایت از این طریق اولاً صلح با طالبان را رقم بزند و ثانیاً به دنیا این خبر را مخایره کند که استراتژی جدید ایالات متحده درباره جنوب آسیا با موفقیت روبه‌رو بوده و حتی می‌تواند برای مابقی پرونده‌های موجود راهگشا باشد.

موضوع دیگر این است که بخشی از نیروی کار پاکستان و هند در عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس مشغول به کار هستند که برای دهلی‌نو و اسلام‌آباد ارزشی مناسبی را به ارمان آورده است. از این منظر با توجه به جمعیت ۲۰۰ میلیون پاکستان و همچنین جمعیت یک میلیارد و چهارصد هزار نفری هند که بخش اعظمی از آنها فقیر یا بیکارند، دولت‌های هر دو کشور به دنبال جلب نظر عربستان برای حمایت‌های گوناگون خواهند بود. تا جایی که ولیعهد سعودی در کنفرانس مشترک خبری خود با نخست‌وزیری هند از ظرفیت ۱۰۰ میلیارد دلاری این کشور برای سرمایه‌گذاری



خبر داده که نشان از پتانسیل‌های موجود در هند برای ادامه سرمایه‌گذاری سعودی‌ها دارد و به نظر می‌رسد چشم آرامکو به یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت خامی است که در ساحل غربی هند به صورت روزانه تولید و استخراج می‌شود.

■ محور امنیتی

در فاز امنیتی هم تا حدودی همین محورها پیگیری شده است، با این تفاوت که لفاظی سعودی‌ها علیه ایران در این حوزه بیشتر دیده شد. به عنوان نمونه عادل الجبیر (وزیر مشاور در امور خارجی عربستان) در حضور شاه محمود قریشی (وزیر خارجه پاکستان) مجدداً ایران را متهم به تروریست‌پروری کرد و در چنین شرایط بحرانی رسانه «بی‌تی‌وی» برای مدت کوتاهی صدای او را قطع کرد. جریان به اینجا ختم نمی‌شود و زمانی که شاه محمود قریشی به بهانه اعلام پایان زمان کنفرانس خواست صحبت عادل الجبیر را نایده بگیرد و اعلام کرد

■ ■ ■

مشکلات مالی و بدهی‌های سر به فلک کشیده پاکستان یکی از دلایلی است که باعث شد استقبال کم‌نظیر «عمران خان» به عنوان هدایت‌کننده قوه مجریه این کشور از بن سلمان را شاهد باشیم. ارقام بسیار مختلفی از این بدهی‌ها در فضای رسانه و مطبوعات منتشر شده که نشان می‌دهد «تحریک انصاف» و در راس آن عمران خان برای اداره کشور همانند نخست‌وزیرهای قبلی نیازمند کمک‌های کلان و چند میلیارد دلاری است

منتاسفانه زمان کنفرانس خبری به اتمام رسیده، وزیر عربستانی با نایده گرفتن صحبت او اذعان می‌کند: «من هنوز وقت زیادی دارم». این عملکرد عادل الجبیر اگرچه خلاف آداب و اصول دیپلماتیک است اما نشان می‌دهد یکی از اهداف سفر ولیعهد سعودی، تروریسم خواندن ایران (آن هم در حضور وزیر خارجه پاکستان) بود. هدفی که چند روز قبل در خاش و توسط عامل انتحاری گروهک تروریستی جیش‌العدل با سناریوی از پیش تنظیم شده سعودی‌های اجرایی شد تا بتوانند با همنوایی امارات آن را یک اعلام جنگ داخلی با چاشنی طرم بر قوم بلوچ جلوه دهند که البته ادامه آن با ناکامی مواجه

شد. به عنوان سخن آخر باید گفت سفر بن سلمان به هند و پاکستان را باید از یک جهت «تطهیر» که چهره مخدوش ولیعهدی دانست که در عرصه بین‌المللی به قتل منتقد خود محکوم شده است و از سوی دیگر «تطمیع» اسلام‌آباد و دهلی‌نو دانست که یکی همسایه دیوار به دیوار جمهوری اسلامی است و دیگری شریک چند ساله کشورمان در عرصه انرژی به حساب می‌آید. جالب آنجاست که هر دو دولت مستقر در هند و پاکستان بیش از آنکه با عربستان علقه‌های فرهنگی داشته باشند، با ایران دارای اشتراکات فراوان هستند اما باید دید که بازی هر دو کشور از این به بعد در قبال ایران چگونه خواهد بود.

رمزگشایی از عملیات‌های تروریستی خاش و کشمیر در آستانه ورود ولیعهد سعودی به پاکستان

آتش تهیه به افتخار پسر پادشاه!

پویان شریعت: چهارشنبه ۲۴ بهمن‌ماه تنها ۲ روز بعد از برگزاری جشن پیروزی انقلاب اسلامی، اتوبوس حامل ۴۰ پاسدار سپاه پاسداران از سوی عناصر تکفیری مورد حمله تروریستی قرار گرفت. این حمله در حالی رخ داد که ساعتی بعد از وقوع آن گروهک تروریستی «جیش‌العدل» مسئولیت آن را بر عهده گرفت. درست یک روز بعد از اقدام تروریستی در جاده زاهدان- خاش یک عملیات تروریستی مشابه در آن سوی مرزهای پاکستان در منطقه هندی کشمیر رخ داد.

با نگاهی به این حملات تروریستی و بررسی اهداف تعیین شده می‌توان هدف از اجرای چنین اقداماتی را ضربه به نیروهای نظامی ۲ کشور هدف، یعنی ایران و هند عنوان کرد؛ اقداماتی مشابه با سبک و سیاق مشابه که با استفاده از خودروی مسلح انتحاری برای هدف قرار دادن نیروهای نظامی ۲ کشور مذکور با سفرهای پیمانکاران خارجی از سوی عناصر تروریستی بنیادگرای رادیکال در دستور کار قرار گرفت. اما این همه ماجرا نیست؛ تنها ۳ روز پس از اجرای عملیات دوم، ولیعهد سعودی در شامگاه یکشنبه ۲۸ بهمن‌ماه که از یک تنفس ۳۱ روزی برای رشد نمودار تنش میان تهران و دهلی با اسلام‌آباد استفاده کرده بود، وارد خاک پاکستان شد. سفری ۲ روزه که نخستین مقصد بن سلمان برای سفر به ۳ پایتخت پاکستان، هند و چین انتخاب شده بود.

قبل از ورود به پیام این حملات تروریستی و بررسی عوامل و دست‌های پشت‌پرده باید به برخی ویژگی‌های مختصات اقدامات تروریستی و دلایل ژئوپلیتیکی مناطق مذکور پرداخت. اقدامات تروریستی گروهک‌های مسلح در جنوب شرق معطوف به امروز و دیروز نبوده، بلکه این قبیل عملیات‌ها از کارنامه‌های چند ساله برخوردار است که اقدام در نوار مرزی و در برخی موارد در عمق خاک کشور همسایه در این کارنامه خودنمایی

آن که ایجاد اتحاد میان تهران، دهلی و کابل است نیز اشاره داشت؛ اتحادی که باعث می‌شود پاکستان در محاصره ۳ سوی کشور مذکور قرار گیرد که اتخاذ چنین سیاستی از سوی مقامات پاکستان بعید به نظر می‌رسد.

نگاهی به سیاست‌های اتحادی و اعمالی اسلام‌آباد نشان می‌دهد مقامات پاکستان همواره سیاست توازن را در دستور کار قرار داده و در کل به دنبال ایجاد توازن میان روابط خود با تهران و ریاض بوده‌اند. موضوع حائز اهمیت دیگر اتحاد پنهان موجود میان سعودی‌ها و امارات به علاوه تل‌آویو و واشنگتن است؛ اتحادی که تا حدودی امروز آشکار شده و به دنبال جذب اسلام‌آباد به عنوان ضلع پنجم این جبهه در منطقه بوده و هست. جبهه مذکور برای ایجاد نوعی تفرانس در رقابت سیاسی و ایدئولوژیک میان تهران به نمایندگی از مقاومت و ریاض به نمایندگی از غرب، به دنبال جلب اسلام‌آباد با اجرای سیاست افزایش تنش و همچنین سیاست دلاری بن‌سلمان است. ایجاد اتاق وضعیت عملیاتی مشترک میان ریاض و تل‌آویو در منطقه مستونگ بلوچستان پاکستان که در اوایل سال به شکل کاملاً پنهان در دستور کار قرار گرفت و همچنین پشتیبانی از برخی گروهک‌های مسلح در جنوب شرق ایران در ادامه سیاست‌های ریاض برای افزایش تنش میان تهران و اسلام‌آباد ارزیابی می‌شود.

■ پیام‌انفجارهای بهمن‌ماه

با نگاهی به اهداف ریاض که در بالا گفته شد و همچنین اتاق وضعیت مذکور که هدف از ایجاد آن پشتیبانی و احیای ساختار سازمان گروهک‌های تروریستی جنوب شرق برای انجام اقدامات ضدامنیتی در خاک ایران و فعال کردن گسسل بلوچی بوده است، باید به پیام این ۲ عملیات نیز اشاره داشت. عملیات اول در ۲۴ بهمن‌ماه در منطقه چانعلی جاده خاش - زاهدان ۲۷ شهید و تعدادی مجروح داشت و این در حالی



همجوار چاپهار باشد؛ موضوعی که ریشه در همکاری‌های ثبات‌ساز تهران - دهلی‌نو در چاپهار و افغانستان دارد. در همین راستا باید ۲ ماهه عقب‌بازگشت تاریخچه چنین تحلیلی را یافت.

۲- ماه قبل در ساعت ۹:۳۰ دقیقه روز ۱۵ آذر، عملی انتحاری در پی اقدامی تروریستی قصد ورود به مقر نیروی انتظامی چاپهار را داشت؛ درست زمانی که ایران در حال تدارک برای برگزاری همایشی با عنوان «فرصت‌های سرمایه‌گذاری در چاپهار» با حضور شرکت‌های داخلی و برخی شرکای خارجی آنها بود و حالا هم در شرایطی که در هفتم اسفندماه چاپهار میزبان سرمایه‌گذاران خارجی با حضور ۱۰۰ شرکت از ۳۵ کشور خارجی است، اقدام تروریستی دیگری در زاهدان رقم می‌خورد. در آخر باید متذکر شد سعودی‌ها با افزایش اقدامات تروریستی به دنبال تقابل با ایران در حوزه امنیت با گرایش‌های اقتصادی و سیاسی هستند که اقدامات تروریستی اخیر در استان جنوب شرق ایران بیاتگر آغاز فاز جدیدی از دشمنی‌ها علیه ملت و انقلاب ایران است.